

نقش ساخت اطلاعی در ترجمه

دکتر محمد راسخ مهند (دانشیار دانشگاه بوعلی سینا)

تاریخ پذیرش مقاله: آبان 1387

تاریخ دریافت مقاله: فروردین 1387

چکیده

این مقاله به بحث درباره تفاوتها و تشابهات ساخت اطلاعاتی جمله در انگلیسی و فارسی اختصاص دارد. نویسنده از رهگذر بحث درباره این تفاوتها و تشابهات کوشیده است تا از چگونگی و نیز اهمیت انتقال ساخت اطلاعی در ترجمه (از انگلیسی به فارسی و بالعکس) سخن گوید.

واژه‌های کلیدی: ساخت اطلاعی، ترجمه، معنای تحلیلی.

1. مقدمه

در ترجمه یک جمله، نه تنها آنچه را جمله می‌گوید باید ترجمه کرد، بلکه باید نحوه گفتن را نیز به زبان مقصد برگرداند. جملات می‌توانند در آنچه می‌گویند مشترک باشند، اما نحوه گفتن آنها متفاوت باشد؛ یا برعکس، نکات مختلفی را به شیوه‌ای یکسان بگویند. آنچه جمله می‌گوید، معنای تحلیلی [analytic meaning] آن است، اما نحوه گفتن مطلب به ساخت اطلاعی [information structure] آن برمی‌گردد. در واقع ساخت اطلاعی تلقی‌گرفته/نویسنده از دانش قبلی شنونده/خواننده است که به او امکان می‌دهد اطلاعات جمله را به نحوی آرایش کند که با دانش شنونده همراستا باشد (پرینس 1981، ولدووی 1990، چو، 1996). برای روشن شدن تفاوت میان معنای تحلیلی و ساخت اطلاعی، جملات (1) را در نظر بگیرید.

(1) الف. نازنین شیدا را راهنمایی کرد.

ب. شیدا را نازنین راهنمایی کرد.

ج. کتاب را نازنین گم کرد.

دو جمله (1) الف و ب، یک چیز مشترک را بیان می‌کنند و دارای معنای تحلیلی یکسانی هستند. معنای تحلیلی این دو جمله با (1) ج متفاوت است. از طرفی، ساخت اطلاعی دو جمله (1) الف و ب با هم متفاوت است؛ یعنی با اینکه هر دو یک چیز را می‌گویند، اما نحوه گفتن آنها با هم فرق دارد. در مورد جملات (1) ب و ج، می‌توان گفت با اینکه دارای معنای تحلیلی متفاوت هستند، اما ساخت اطلاعی آنها یکسان است و نحوه گفتن مطلب در این دو جمله یکسان است.

در مورد نحوه برگرداندن معنای تحلیلی جملات، بحث‌های زیادی در اصول و مبانی ترجمه انجام شده است. هدف نوشته حاضر بحث درباره ویژگی‌های ساخت اطلاعی جمله، در انگلیسی و فارسی، و نحوه برگرداندن آن به شیوه درست است. برای دست یازیدن به این مهم، در بخش (2) به معرفی ساخت اطلاعی و تقسیم‌بندی آن می‌پردازیم. در بخش (3) به بررسی ساخت نحوی و اطلاعی جملات مجهول، مبتداسازی شده [topicalized]، اسنادی

شده [cleft sentence]، شبه اسنادی شده [pseudo cleft] و پیشاینده-پساینده شده [inversion]، در انگلیسی اشاره می‌شود. بخش چهارم به توصیف و تحلیل آزمونی می‌پردازد که برای سنجش توانایی دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی در برگرداندن جملات نشان‌دار مذکور و میزان آگاهی آنها از ساخت اطلاعی می‌پردازد. این آزمون برخی از نقاط قوت و ضعف برنامه آموزش مترجمی را نیز نشان می‌دهد.

2. ساخت اطلاعی

اصطلاح ساخت اطلاعی را ولدووی (1990) به‌عنوان ساختی هم‌ردیف ساخت‌های نحوی، آوایی و صرفی زبان به‌کار می‌برد. او اظهار می‌دارد که این ساخت با استفاده از عوامل موجود در ساخت‌های نحوی، آوایی و حتی صرفی جمله ایجاد می‌شود تا باعث شود جمله در بافت و گفتمانی خاص به‌طور مناسب به‌کار رود. ساخت اطلاعی جمله بازتاب اطلاعات کلامی و بافتی در جمله است. درک و تفسیر جمله نه تنها نیازمند درک معنای تحلیلی جمله، بلکه مستلزم درک معنای اطلاعی و ارتباطی آن نیز می‌باشد. در واقع بر طبق این نظر چون جملات در بافت‌های متفاوت به‌کار می‌روند و نیاز است که دارای معنای ارتباطی متفاوتی در بافت‌های مختلف باشند، در زبان‌های مختلف عوامل نحوی (مانند آرایش واژگان)، عوامل آوایی (مانند تکیه جمله و آهنگ) و عوامل صرفی (مانند تکواژهای تأکیدی) کمک می‌کنند تا جمله بتواند معنای ارتباطی لازم و مورد نظر گوینده را در بافتی خاص برساند.

در آثار مختلف معمولاً ساخت اطلاعی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند. اصطلاحات نهاد [theme] در برابر خبر [rheme] (هالیدی ۱۹۸۵، ۱۹۶۷)، مبتدا [topic] در برابر خبر [comment] (متسیوس، 1915)، مبتدا در برابر تأکید [focus] (سگال وهاجی کوا 1977)، تأکید در برابر پیش‌انگاره [presupposition] (آکماجیان 1979، چامسکی 1971)، اطلاع نو [new information] در برابر اطلاع کهنه [old information] (والیما و بلوم، 1988) و اطلاع قبلی [given information] در برابر اطلاع نو (هالیدی 1967، 1985) به این بخش‌ها اشاره می‌کنند (ولدووی و انگدال، 1996). از میان این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی جمله به تأکید در برابر زمینه [ground] (ولدووی، 1990) و مبتدا در برابر خبر رایج‌تر است.

تقسیم جمله به زمینه و تأکید عبارت است تقسیم آن به بخشی که دارای اطلاع نو نیست و شنونده از آن اطلاع دارد (زمینه)، در برابر بخشی که حاوی اطلاع نو و یا اطلاعی بر خلاف انتظار است (تأکید) (ولدووی 1990، چو 1996، ولدووی و انگدال 1996، راینهارت و نیلمن 1997، کیس 1998، سزوندی 2001، برونتی 2003). تأکید اطلاعی است که به دانش قبلی شنونده اضافه می‌شود ولی زمینه محل ارتباط دانش جدید با دانش قبلی وی است. در بسیاری از منابعی که به بحث تأکید پرداخته‌اند از آزمون پرسش و پاسخ برای نشان دادن تأکید استفاده شده است (ولدووی 1990، هاکی، 1998). بر این اساس پاسخی که به کلمه پرسشی داده می‌شود، تأکید جمله است. یعنی تأکید بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو است و دانش قبلی شنونده را افزایش می‌دهد. بخش مقابل تأکید، زمینه است¹ که دارای اطلاع نو نیست. در پاسخ به پرسش معمولاً فقط تأکید جمله ذکر می‌شود و این بی‌نشان‌ترین حالت گفتگو است (ولدووی و انگدال، 1996)؛ اما در مباحث زبانشناسی برای نشان دادن بخش زمینه، آن را نیز در بخش پاسخ می‌آورند. مثالهای (2) تا (4) به رابطه میان کلمات پرسشی و تأکید جمله می‌پردازد و نشان می‌دهد که دامنه تأکید در جمله بستگی به نوع کلمه پرسشی دارد. زیر بخش تأکید جملات خط کشیده شده است.

(2) چه خبر است؟

نازنین با عروسکش بازی می‌کند.

(3) نازنین چه کار می‌کند؟

نازنین / او با عروسکش بازی می‌کند.

(4) نازنین با چی بازی می‌کند؟

نازنین / او با عروسکش بازی می‌کند.

همانطور که مشخص است در جمله (2)، تأکید شامل تمام جمله است در حالی که در جمله (3) شامل گروه فعلی و در جمله (4) شامل مفعول جمله است. تأکید جمله در برخی

1. علاوه بر اصطلاح زمینه از دو اصطلاح پیش‌انگاره [presupposition] و پیش‌زمینه [background] (جکنداف 1972) نیز برای اشاره به بخش مقابل تأکید استفاده شده است.

زبانها به لحاظ آوایی برجسته است (مانند انگلیسی) و در برخی زبانها آرایش واژگانی جمله، تأکید را نشان می‌دهد (مانند کاتالان).

3. ساخت اطلاعاتی در جملات انگلیسی

در این بخش ابتدا جملات بی نشان (3-1) و سپس جملات نشاندار (3-2) بررسی می‌شود.

3-1-3 جملات بی نشان

این بخش به صورت مقدماتی چارچوب معرفی شده از سوی ولدووی (1992) در مورد ساخت اطلاعاتی را عرضه می‌کند. ولدووی جمله را واحدی می‌داند که با ارائه اطلاعات مجموعه اطلاعات قبلی شنونده را به روز می‌کند و اعتلا می‌بخشد. به باور وی هر جمله دارای فرمانی [instruction] است که به شنونده می‌گوید کدام بخش جمله را باید به اطلاعات سابق خود بیافزاید، به کجای مجموعه اطلاعات ذهنی خود آن را اضافه کند، و چگونه این اطلاعات را اضافه کند. این فرمانها در ساخت اطلاعاتی جمله نهفته‌اند که از مفاهیم ابتدایی زیر تشکیل شده است:

(5) جمله = {تأکید + زمینه}

زمینه = {رابط + انتها}

تأکید اطلاع نو جمله را بیان می‌کند در حالی که زمینه این اطلاع نو را به دانش قبلی شنونده متصل می‌کند. همچنین زمینه نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: رابط که محل اضافه شدن اطلاع نو را نشان می‌دهد و انتها که نحوه اضافه شدن این اطلاع را نشان می‌دهد. با ترکیب این سه مفهوم می‌توان چهار نوع فرمان برای نظام‌مندی ساخت اطلاعاتی تهیه کرد، یعنی جمله می‌تواند یکی از چهار حالت را داشته باشد: تأکید، رابط-تأکید، تأکید-انتها، و رابط-تأکید-انتها. مثالهای شماره (6) نحوه نمایش این چهار حالت را در انگلیسی نشان می‌دهد (کلر و آلکسوپولو، 2000).

(6) a. All Focus

The president has a weakness.
[F He hates CHOCOPLATE].

b. Link-Focus

Tell me about the people in the White House. Anything I should

know?

The president [F hates CHOCOLATE].

c. Focus-Tail

You shouldn't have brought chocolates for the president.

[F He HATES] chocolate.

d. Link-Focus-Tail

And what about the president? How does HE feel about chocolate?

The president [F HATES] chocolate.

همان‌گونه که مشخص است تمام انواع فرمانها دارای بخش تأکید هستند، زیرا وجود تأکید در جمله اجباری است. وجود بخشهای مختلف زمینه بستگی به دانش مشترک میان شرکت کنندگان و ارتباط آن با بافت دارد. جمله (6) الف فقط شامل تأکید است که اطلاعات را در مورد رئیس جمهور به روز می‌کند. در (6) الف و ج محل اضافه شدن اطلاع نو از بافت قابل تشخیص است و از درون جمله مشخص نمی‌شود. اما (6) ب و ج رئیس جمهور را به عنوان رابط معرفی می‌کند که محل اضافه شدن اطلاع نو را مشخص کرده است.

حال بینیم انگلیسی با چه ابزاری بخشهای مختلف ساخت اطلاعاتی جمله را مشخص می‌کند. تمام نمونه‌های (6) دارای آرایش واژگانی یکسان هستند. اما الگوی آهنگی [intonational pattern] آنها فرق می‌کند. در واقع انگلیسی با تکیه بر ابزار آوایی ساخت اطلاعاتی جمله را معین می‌کند (لمبرکت 1994، ولدووی و انگدال، 1996). عناصر مؤکد همراه با تکیه اصلی جمله هستند (سلکرک 1996). این ویژگی در مورد تأکید محدود مانند (6) د و تأکید گسترده مانند (6) ب صدق می‌کند. تأکید محدود فقط یک سازه را در برمی‌گیرد در حالی که تأکید گسترده می‌تواند شامل گروه فعلی یا جمله باشد. در انگلیسی رابطه‌ها نیز دارای ویژگی خاص آوایی هستند. آنها دارای تکیه ثانویه جمله می‌باشند (کلر و آلکسوپولو، 2000).

در مجموع می‌توان گفت انگلیسی انواع مختلف ترکیب ساخت اطلاعاتی جمله را با استفاده از ابزار آوایی نشان می‌دهد. اما در این زبان ابزارهای نحوی نیز برای نشان دادن ساخت اطلاعاتی جمله به کار می‌رود.

1-3 جملات نشاندار

در این بخش به بررسی جملات نشاندار انگلیسی می‌پردازیم. این جملات را از حیث ساختار نحوی و ساخت اطلاعی تحلیل می‌کنیم. جملات نشان‌دار در این تحلیل عبارتند از: مجهول، مبتداسازی شده، مبتداسازی ضمیر گذار، اسنادی شده، شبه‌اسنادی شده، و پیشایند-پسایندسازی.

1-1-3 جملات مجهول

بسامد جمله‌های مجهول در انگلیسی بیشتر از فارسی است. ریچاردز و دیگران (1992)، ص 402) بر این عقیده‌اند که «دو جمله می‌توانند به لحاظ جهت با یکدیگر متفاوت باشند، با این حال دارای معنای اساسی یکسانی باشند، اما ممکن است تأکید جمله دستخوش تغییر شود و یک نوع از جمله مناسبتر باشد. به عنوان مثال در: The wind damaged the fence، نهاد جمله the wind، و فعل دارای حالت معلوم می‌باشد، در حالی که در جمله The fence was damaged by the wind نهاد جمله The fence می‌باشد و جمله در حالت مجهول است.»

اگر بپذیریم که جملات معلوم و مجهول دارای معنای اساسی یکسانی هستند، چه نیازی به وجود جملات مجهول در زبان است؟ پاسخ به این سوال را از دو دیدگاه نحوی و نقشی می‌توان بیان کرد.

از دیدگاه نحوی، نقشهای نحوی مانند نهاد و گزاره در بیان تفاوت میان جملات مجهول و معلوم لازم اما کافی نیستند. بر اساس دیدگاه حاکمیت و مرجع‌گزینی (چامسکی، 1981)، تفاوت معلوم و مجهول را در توزیع نقشهای معنایی می‌توان نشان داد. جملات (7) این تفاوت را نشان می‌دهند (جباری 1382، ص 79).

(7) الف. جمله معلوم. <u>John broke the window.</u>		
<u>John</u>	<u>broke</u>	<u>the window</u>
نهاد	گزاره	نقشهای نحوی:
(کنشگر)	(کنش‌پذیر)	نقشهای معنایی:
ب: جمله مجهول: <u>The window was broken by John.</u>		
<u>The window</u>	<u>was broken by John.</u>	نقشهای نحوی:
نهاد	گزاره	نقشهای معنایی:
کنش‌پذیر	کنشگر	نقشهای معنایی:

مثالهای فوق نشان می‌دهد که نهاد یا فاعل دستوری در جملات معلوم با کنشگر و در جملات مجهول با کنش‌پذیر همپوشی دارد.

اما در دیدگاه نقشی جمله، دو جمله معلوم و مجهول برای پاسخ به دو جمله پرسشی الزاماً متفاوت به کار می‌روند. به عنوان مثال پرسش مناسب برای جمله (7) الف جمله (8) الف و برای (7) ب جمله (8) ب خواهد بود. در این دیدگاه آنچه در پرسش و پاسخ مشترک است، اطلاع کهنه و آنچه تنها در پاسخ می‌آید اطلاع نو است.

(8) a. What did John break? John broke the window.

اطلاع کهنه

اطلاع نو

b. By whom was the window broken? The window was broken by John.

اطلاع کهنه

اطلاع نو

مقایسه دو جمله بیانگر این نکته است که آنچه در جمله معلوم اطلاع کهنه است در جمله مجهول اطلاع نو است و برعکس (جباری 1382، ص 80). به عبارت دیگر تفاوت جملات معلوم و مجهول در ساخت اطلاعی آنهاست.

3-1-2 مبتداسازی شده

در فرایند مبتداسازی گروهی که در حالت بی‌نشان جایگاهی غیر از ابتدای جمله دارد به ابتدای جمله آورده می‌شود و هدف از انجام این کار این است که آن سازه را به صورت مبتدا یا تأکید جمله درآورند. البته در انگلیسی هدف از انجام این کار ایجاد مبتدای جدید است. نمونه (9) این فرایند را در انگلیسی نشان می‌دهد.

9. Cigarettes, you couldn't pay me to smoke.

3-1-3 مبتداسازی ضمیر گذار

راس (1967) فرایند مبتداسازی ضمیرناگذار را حرکتی نحوی می‌داند که با انجام آن سازه‌ای غیر از نهاد جمله به ابتدای جمله حرکت می‌کند در حالی که با ضمیری درون جمله هم مرجع باقی می‌ماند. مثالهای (10) نمونه‌هایی از این حرکت را نشان می‌دهند:

- (10) a. The man my father works with in Boston, he's going to tell the police that the traffic expert has set that traffic light on the corner of Murk street far too low.
 b. My father, he's American, and my mother, she's Greek.
 c. My wife, somebody stole her handbag last night.

در بسیاری از تحقیقات انجام شده، نقش مبتداسازی ضمیرگذار را در ارتباط با مبتدا تعریف کرده‌اند. به این صورت که یا هدف آن معرفی مبتدای جدید و یا نشان‌دار کردن یک مبتدا است. البته یکی از نقش‌های آن نیز ساده تر کردن پردازش اطلاعات درون جمله تعیین شده است.

3-1-4 جملات اسنادی شده

ساختهای اسنادی شده توجه بسیاری از زبان‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند. در انگلیسی این ساختها از سوی افراد بسیاری همانند هلیدی، کالینز و پرینس مورد مطالعه قرار گرفته است. در انگلیسی الگوی (11) برای ساختن جملات اسنادی شده به کار می‌رود. مثال‌های (12) نمونه‌هایی از این ساخت هستند.

(11) cleft pronoun + copula + clefted constituent + cleft clause

- (12) a. It is the woman who buys the house.
 b. It is the contrs who have cried uncle.
 c. It was an odd televised ceremony that I watched from my living room.

در جملات اسنادی شده، تکیه جمله بر روی سازه اسنادی شده قرار می‌گیرد و این مسئله نشان می‌دهد در این جملات این سازه اطلاع نو جمله است و به عبارتی خبر جمله محسوب می‌شود. اما بندی که پس از ساخت اسنادی شده واقع می‌شود دارای اطلاع نو نیست و به عبارتی مبتدای جمله است.

3-1-5 جملات شبه اسنادی شده

مثالهای (13) نمونه‌هایی از جملات شبه اسنادی شده هستند. در این جملات برخلاف جملات اسنادی شده، تکیه جمله بر روی سازه شبه اسنادی شده واقع نمی‌شود بلکه بر روی بند پس از آن قرار می‌گیرد. به این ترتیب در این جملات ابتدا سازه مبتدا و سپس سازه دارای خبر یا اطلاع نو جمله قرار می‌گیرد. این نقش برعکس وضعیت جملات اسنادی شده است اما نکته

مشترک میان این دو ساخت این است که در هر دو حالت مبتدا و خبر جمله از همدیگر جدا می‌شوند.

- (13) a. What you have now is détente, industrial strength.
b. What is really interesting is the way he handled Jackson after that.

3-1-6 پیشایند- پسایند سازی

طبق تعریف بیرنر (1994) فرایند پیشایند- پسایندسازی در انگلیسی فاعل منطقی جمله را به جایگاهی پس از فعل منتقل می‌کند و سازه‌ای را که منطقاً باید در جایگاه پس از فعل باشد به پیش از فعل منتقل می‌کند. نمونه‌های (14) این فرایند را در انگلیسی نشان می‌دهند.

- (14) a. *On the counter are loaves, - whole wheat, cinnamon raisin, Oatmeal, rye, sunflower, cornmeal.*
b. *He tries again and this time, on the top of folded hanky is seen the imprint of the selected card.*
c. *At 3:30 P.M. Monday, at a pizzeria, up walked 17- year-old youth with a set of keys.*

بیرنر در مطالعه خود نشان داد که عنصر پیشایند شده در جملات انگلیسی نمی‌تواند دارای بار اطلاعاتی کهنه‌تری نسبت به آنچه پس از فعل می‌آید باشد. به عبارت دیگر عنصر پیشایند شده نسبت به عنصر پسایند شده دارای اطلاع نو و یا حداقل بار اطلاعی برابر است.

4. توصیف و تحلیل آزمون‌ها

برای بررسی توانایی دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی در درک و ترجمه ساخت اطلاعی جملات، از دو گروه از دانشجویان آزمون ترجمه به عمل آمد. گروه اول دانشجویانی بودند که هنوز دروس ترجمه را نگذرانده بودند و عمدتاً در ترم سوم دوران تحصیل خود بودند. این آزمون برای این انجام شد که در مقایسه با آزمون دوم که از دانشجویان سال آخر انجام گرفت بتواند توانایی دوره مترجمی زبان را در آشنا کردن دانشجویان با مفهوم ساخت اطلاعی در زبان بسنجد.

در آزمون انجام شده 15 مورد ساختهای نشان‌دار برای ترجمه ارائه شده است که شامل ساخت مبتداسازی شده، مبتداسازی ضمیر‌گذار، پیشایند - پسایند شده، مجهول، اسنادی شده و شبه اسنادی شده هستند. این جملات در ضمیمه آمده‌اند.

4-1 نتایج آزمون‌ها

در این بخش ابتدا نتایج هر آزمون را به صورت مجزا مطرح می‌کنیم و همچنین میزان درستی ترجمه هر ساخت نشان‌دار را نشان می‌دهیم. در بخش بعد به تحلیل و مقایسه نتایج دو آزمون می‌پردازیم.

آزمون گروه اول

ساخت اسنادی شده: جملات 1 تا 3 در متن ترجمه ساختهای اسنادی شده بودند. در مجموع 26 تن از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای اسنادی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی اسنادی شده از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 57% درست ترجمه کرده بودند.

ساخت شبه اسنادی شده: جملات 4 تا 6 در متن ترجمه شبه اسنادی شده بودند. در مجموع 30 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای شبه اسنادی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی شبه اسنادی شده از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 66% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مبتداسازی ضمیر‌گذار: جملات 7 و 8 در متن ترجمه جملات مبتداسازی ضمیر‌گذار بودند. در مجموع 2 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای مبتداسازی ضمیر‌گذار را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 4% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مبتداسازی شده: جملات 9 و 10 در متن ترجمه جملات مبتداسازی شده بودند. در مجموع 27 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای مبتداسازی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 60% درست ترجمه کرده بودند.

جملات پیشایند- پسایند شده: جملات 11 تا 13 در متن ترجمه جملات یشایند ساینده شده بودند. در مجموع 27 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای فوق را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 60% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مجهول: جملات 14 و 15 در متن ترجمه جملات مجهول بودند. در مجموع 15 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه اول ساختهای مجهول را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 33% درست ترجمه کرده بودند.

آزمون گروه دوم

ساخت اسنادی شده: در مجموع 33 تن از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای اسنادی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی اسنادی شده از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 73% درست ترجمه کرده بودند.

ساخت شبه اسنادی شده: در مجموع 24 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای شبه اسنادی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی شبه اسنادی شده از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 53% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مبتداسازی ضمیر گذار: در مجموع 2 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای مبتداسازی ضمیر گذار را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 4% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مبتداسازی شده: در مجموع 24 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای مبتداسازی شده را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 53% درست ترجمه کرده بودند.

جملات پیشایند- پسایند شده: در مجموع 33 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای فوق را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 73% درست ترجمه کرده بودند.

جملات مجهول: در مجموع 12 نفر از 45 نفر دانشجویان گروه دوم ساختهای مجهول را درست ترجمه کرده بودند و معادل آن را ساختی همسان از فارسی قرار داده بودند. یعنی حدود 26% درست ترجمه کرده بودند.

4-2 مقایسه و تحلیل نتایج

الف: مقایسه کلی

با جمع‌بندی نتایج حاصله می‌توان گفت گروه اول 28% و گروه دوم 36% ساختهای نشان‌دار را درست ترجمه کرده‌اند. در مجموع توانایی دانشجویان هر دو گروه در ترجمه این ساختها و میزان آشنایی آنها با ساخت اطلاعی ضعیف و کم بوده است.

ب: مقایسه هر ساخت

در این بخش به بررسی ترجمه ساختهای نشان‌دار مختلف توسط هر دو گروه اشاره می‌شود. ساخت اسنادی شده، که معادل ساختاری در فارسی دارد، توسط گروه اول 57% و توسط گروه دوم 73% درست ترجمه شده بود. در واقع تنها ساختی که در آن ترجمه‌های دو گروه تفاوت معناداری داشته است همین ساخت می‌باشد. از طرفی چون این ساخت با معادل فارسی مشابه است درصد درستی ترجمه در هر دو گروه بالا بوده است.

ساخت شبه‌اسنادی شده را گروه اول 66% و گروه دوم 53% درست ترجمه کرده‌اند. البته این ساخت نیز معادل مشابهی در فارسی دارد و درصد درستی ترجمه آن در مقایسه با ساختهای دیگر بالا بوده است. البته تفاوت در دقت گروه اول و دوم به این نکته منتهی می‌شود که توانایی دانشجویان احتمالاً اکتسابی نبوده است زیرا کسانی که درست‌تر ترجمه کرده‌اند هنوز دروس ترجمه را نگذرانده‌اند.

ساخت مبتداسازی ضمیرگذار را هر دو گروه بسیار ضعیف ترجمه کرده‌اند. این ساخت در فارسی محاوره‌ای وجود دارد ولی دارای بسامد پایینی است و از طرفی در فارسی نوشتاری دیده نمی‌شود. هر دو گروه در ترجمه این ساخت اشکال داشته‌اند که نشان از عدم اطلاع آنها است.

ساخت مبتداسازی شده را گروه اول 60% و گروه دوم 53% درست ترجمه کرده‌اند. معادل فارسی این ساخت به صورت قلب نحوی وجود دارد. تفاوت معناداری در ترجمه دو گروه دیده نمی‌شود.

ساخت پیشایند- پسایند شده را گروه اول 60% و گروه دوم 73% درست ترجمه کرده‌اند. معادل این ساخت نیز در فارسی قلب نحوی است. تفاوت معناداری در ترجمه دو گروه دیده نمی‌شود. توجه به این نکته نیز مهم است که چون معادل کلامی مبتداسازی و پیشایند - پسایندسازی در فارسی قلب نحوی است این دو ساخت تا حدی با درصد بالایی درست ترجمه شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که دانشجویان قلب نحوی را به عنوان ساختی که در نوشتار نیز کاربرد دارد می‌شناسند و به همین دلیل آن را به کار می‌برند.

ساخت مجهول را گروه اول 33% و گروه دوم 30% درست ترجمه کرده‌اند. با اینکه ساخت مجهول ساختی رایج و آشنا در انگلیسی است اما معادل آن در فارسی دارای بسامد کمتری است اکثراً معادل درستی از این ساخت به دست نداده‌اند. تفاوت معناداری میان گروه اول و دوم دیده نمی‌شود.

ج: تحلیل نتایج و پیامدهای نظری

با بررسی میزان توانایی ترجمه ساختهای نشان‌دار از سوی دانشجویان رشته مترجمی می‌توان به نتایج و استنباطهای ذیل دست یافت:

1. دانشجویان در دوره کارشناسی مترجمی با ساخت اطلاعی یا اصلا آشنا نمی‌شوند و یا به صورت ناقص و غلط آن را فرا می‌گیرند، به همین دلیل میزان توانایی آنها با گذراندن واحدهای مربوط به دروس ترجمه نیز افزایش معناداری ندارد.

2. در برخی ساختها که ساختی مشابه از حیث نحوی در فارسی برای آن وجود دارد، مانند ساخت اسنادی شده و شبه اسنادی شده توانایی دانشجویان بالاتر از زمانی است که تشابه نحوی میان دو زبان وجود ندارد.

3. دوره مترجمی زبان فاقد واحد مشخصی است که در آن به دقائق ارتباط میان ساخت اطلاعاتی و ترجمه پرداخته شده باشد. البته اگر در درس اصول و روش ترجمه بخشی از مباحث به این کار اختصاص داده شود، شاید توانایی دانشجویان در این زمینه نیز افزایش یابد.

4. ساخت اطلاعاتی نیز باید همانند ساختهای دیگر زبان باید مد نظر مدرسان دروس ترجمه قرار گیرد و اگر احتمالاً کسی آشنایی کمتری به این موضوع دارد با مطالعه کتب و منابع مربوط به اهمیت آن پی برد.

منابع

- اسلامی، محرم، 1382، «نحو و واج شناسی: یک وجه مشترک»، پژوهشهای زبانشناسی 1 (ویژه جشن نامه دکتر علی اشرف صادقی)، تهران: هرمس، صص 171-176.
- جباری، محمد جعفر، 1382، «تفاوت مجهول در زبانهای انگلیسی و فارسی»، مجله زبانشناسی، سال 18، شماره اول، صص 78-94.
- دبیرمقدم، محمد، 1369، «پیرامون را در زبان فارسی»، مجله زبانشناسی، سال 5، شماره 1، صص 2-60.
- ، 1378، زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: سخن.
- راسخ مهند، محمد، 1382، «قلب نحوی در زبان فارسی»، پایان نامه دوره دکترای زبانشناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Birner, B and Sh. Mahootian, 1996, "Functional constructions in inversion in English and Farsi", *Language Science*, Vol 18, pp: 127-136.
- Browning, M. and E. Karimi, 1994, "Scrambling to object position in Persian", in N. Crover H. van Riemsdijk (eds), *Studies on Scrambling*, Mouton de Gruyter, Pp: 61-100.
- Choi, Hye-Won, 1996, *Optimizing Scrambling in Context: Scrambling and Information Structure*. Ph.D. dissertation, Stanford University.
- , 1997, "Information Structure, Phrase structure and their Interface", In: M. Butt and T.H. King (eds) *Proceedings of the LFG97 Conference*, CSLI.
- Chomsky, N, 1991, "Some notes on the economy of derivation and representation", In R. Fereidin (ed) *Principles and parameters in comparative grammar*, Cambridge, Mass.: MIT press, 417-54.
- Cinque, G, 1993, "A null theory of phrase and compound stress", *Linguistic Inquiry* 24: 239-298.
- Crover, N. and H. Riemsdijk (eds), 1994, *Studies on Scrambling*, Mouton de Gruyter, Berlin.
- Dabir Moghaddam, M, 2001, "Word order typology of Iranian languages", *The Journal of Humanities*, vol. 8, no. 2, pp: 17-22.

- Dissertation, University of Pennsylvania.
- Ghomiishi, J,1996, Projection and Inflection: a study of Persian phrase structure.Toronto: University of Toronto dissertation.
- ,1997, " Vp-topics in Persian", *Lingua*, 102: 133-167.
- Hockey ,B. Ann ,1998, The interpretation and realization of focus: experimental Investigation of focus in English and Hungarian. Ph.D.
- Ishihara,S,2000, " Stress, Focus and Scrambling in Japanese", in *MIT Working Papers in Linguistics*, 39: 142-175.
- Karimi, S.(ed),2003, *Scrambling and Word Order*, Blackwell Publishers.
- Karimi,S,1990, "Obliqueness, specificity and discourse functions: Ra in Persian" *Linguistic Analysis*, 20:139-191.
- ,1999, "Is scrambling as strange as we think it is?", *MIT Working Papers in Linguistics* 33: 159-190.
- ,2001a, 'Word order and scrambling', a talk presented in workshop at Persian linguistics, Allame Tabatabaei University.
- Kiss, Katalin É,1998, "Identificational focus versus information focus", *Language*; 74:245-273.
- Neeleman, Ad,1994,Complex Predicates.Ph.D.Dissertation. Utrecht University/OTS.
- Prince, E,1983, "Topicalization, focus movement and Yiddish movement: a Pragmatic differentiation", *Proceedings of the Berkeley Linguistics Society Annual Meeting*, University of California at Berkeley.
- ,1981, "Towards a taxonomy of given/new information", In: Peter Cole (ed.), *Radical Pragmatics*, 223-254. New York: Academic Press.
- Reinhart, Tanya and Ad Neeleman,1997, " Scrambling and PF interface", in W.Cobler and M.Butt (eds) *Projection from the Lexicon*, CSLI, Stanford.
- Reinhart, Tanya,1996, "Interface economy: focus and markedness", In: *The Role of Economy Principle in Linguistic Theory*,C.Wilder et al (eds), Berlin: Akademik Verlag.
- Saito, M. and N. Fukui,1998, "Order in phrase structure and movement", *Linguistic Inquiry*, 29:439-477.
- Sekerina, I, 1997, The syntax and processing of scrambling in Russian. Ph.D. dissertation, The city University of New York.
- Szendori, Kriszta, 2001, Focus and the Syntax- Phonology Interface, Ph.D. Dissertation, University College London.
- Vallduvi, E. and E. Engdahl ,1996, " The linguistic realization of information packaging", *Linguistics* 34: 459-519.
- Vallduvi, E. and M. Vilkuina ,1998, " on rheme and Kontrast", in Culicover P. and L. McNally (eds), *The Limits of Syntax*. New York: Academic Press, 79-108.
- Vallduvi, Enric, 1990, The Information Component. Ph.D Dissertation. University of Pennsylvania.

ضمیمه

(جملات مورد استفاده در آزمون ترجمه)

- (1) It's not that I'm not interested in developing this area. It's just that there's so much else we need to do.
- (2) It is the angel who uses this form of greeting.
- (3) Ruin and destruction seemed inevitable. It was then that a beautiful young girl, named Lore, accompanied by a crowd of small children, offered to go out to meet the Colonel and to beg pity for the town. But before the plan could be realised the Swedish troops had entered the city, ready to destroy it.
- (4) What really happened was a visit from a labour agent who attracted many local young men away to Bohemia, with the promise of good wages.
- (5) What it does is tests the whole of memory by writing to it and reading back to see if what it wrote is still there.
- (6) You seem to be able to do almost anything with them. What you can't do is write cheques.
- (7) My father, he is American and my mother, she is Greek.
- (8) Everybody talk about it all the time. Especially Aunt Katherine up here, that's all me and her talk about-what they done to us.
- (9) They would give 20 dollars. Then the number was theirs. My first book, I paid half of each trick to the person who gave it to me. After that, it was my book.
- (10) Cigarettes, you couldn't pay me to smoke.
- (11) On the counter are loaves,-whole wheat, cinnamon raisin, oatmeal, rye, sunflower, cornmeal.
- (12) He tries again and this time, on the top of folded hanky is seen the imprint of the selected card.
- (13) At 3:30 P.M. Monday, at a pizzeria, up walked 17-year-old youth with a set of keys.
- (14) The fence was damaged by the wind (15) By whom was the window broken? The window was broken by John.